

نگاهی گذرا به جهان در سال ۱۹۹۶

المللی پول در بازنگری سالانه دورنمای اقتصادی جهان، در آوریل، نرخ رشد در جهان را که قبلاً ۴/۱ درصد پیش بینی شده بود، به ۳/۸ درصد تقلیل داد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در دورنمای اقتصادی سالانه خود، نرخ رشد برای ۲۴ کشور سرمایه داری پیشرفته را در سال ۱۹۹۶ از درصد پیش بینی شده به ۲/۱ درصد تقلیل داد.

علی رغم اینکه در سال ۱۹۹۶ هم گروه هفت کشور عمده سرمایه داری و قدرتمند جهان و هم سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در برنامه های خود بهبود وضع اشتغال را هدف اصلی اعلام کرده بودند، بیکاری به عنوان یک معضل عمده دنیای سرمایه باقی ماند و این نظر را به اثبات رساند که

سال ۱۹۹۶ در پرتو پیروزی چشمگیر کمونیست های روسیه در انتخابات دومای این کشور و مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و اتحادیه های کارگری فرانسه آغاز شد و در اوج مبارزات طبقه کارگر کره جنوبی، فرانسه، آلمان و یونان پایان گرفت. در حالیکه سرمایه داری جهانی در پیشبرد سیاست های «نظم نوین جهانی» از دستیابی به مواضع محکم تری ناتوان ماند، زحمتکشان و ترقی خواهان جهان با اطمینان بیشتر به حقانیت و توانایی خود مبارزه تاریخی خود را پیش برده و در عرصه های مهمی به پیروزی های چشمگیر نایل شدند.

به رغم همه پیش بینی های خوش بینانه مبنی بر توسعه اقتصادی سریع در ۱۹۹۶، عملکرد واقعی کشورهای سرمایه داری پیشرفته و به موازات آن کل جهان سرمایه داری بیانگر خلاف آن بود. صندوق بین

ادامه در ص ۴، ۵، ۶

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۹۷، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۲۵ دی ماه ۱۳۷۵

عوام فریبی و ادعاهای بی پایه، اساس بودجه سال ۱۳۷۶

هاشمی رفسنجانی، روز ۴ آذر ماه بودجه سال ۱۳۷۶ دولت خود را تقدیم مجلس کرد و مدعی شد: «سال ۱۳۷۵ به مثابه آینه ای شفاف جلوه های کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران را منعکس ساخت...». بر اساس گزارش مطبوعات کشور میزان بودجه سال ۱۳۷۶، ۱۸۸ هزار و ۱۵۰ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به بودجه سال گذشته ۳۵ درصد افزایش نشان می دهد. رفسنجانی اختصاص اعتبار برای اجرای سیاست فقرزدایی، پرداخت یارانه برای کالاهای اساسی، انضباط مالی، توجه به اقتصاد بدون نفت، تقویت نظام تأمین اجتماعی، جلوگیری از توسعه بی رویه تشکیلات اداری و تثبیت نرخ ارز بر مبنای هر دلار ۳۰۰۰ ریال را از ویژگی های بودجه سال آینده اعلام کرد. رفسنجانی مانند سال های گذشته میزان استقراض به سیستم بانکی در بودجه سال ۷۶ را صفر و وضع تجاری ایران را با توجه به افزایش قیمت نفت بسیار مثبت ارزیابی نمود. وی در سخنان خود گفت در حالی که حجم واردات کشور از

ادامه در ص ۷

نامه رسیده از ایران

آنچه در زیر آمده است، بخش هایی از نامه مفصلی است که از ایران به دست ما رسیده است. بخش های دیگر این نامه در فرصت مناسب دیگری به چاپ خواهد رسید.

شرایط و امکانات موجود دوش به دوش شما به مبارزه خود ادامه دهند.

حزب پس از هر شکست آبدیده تر سر بلند کرده است و در صفوف نخستین رزم انقلابی توده ها بوده است. حزب ما ققنوسی است که از سوختن نمی هراسد. تاریخ سراسر بیکار پرافتخار حزب ما این را به عیان ثابت کرده است. اکنون نیز که جنبش کمونیستی در جهان بحران نوینی را سپری می کند و اعوجاجات گوناگون آن را تهدید می کند، حزب با تشخیص درست، سمت اصلی حرکت خود را که همانا

ادامه در ص ۳

«رفقا!»

گرم ترین درودهای رفیقانه ما را بپذیرید. در وانفسای شکست های متعدد و حکومت یأس و دلمردگی و بروز مجدد نهیلیسم که مادر بیشترین انحرافات موجود در جنبش چپ ما می باشد، تنها ایمان و صداقت انقلابی مشعل راهنمای حزب ما بوده است و مشعلی را که گذشتگان پرافتخار ما روشن کرده بودند، شما همچنان شعله ور نگاه داشته اید. حزب ما موانع بیشماری را تاکنون پشت سر گذاشته است و هنوز ده ها مانع دیگر بر سر راه باقی مانده است که نیازمند تلاش و همکاری جمعی همه رفقای حزبی است تا بر آنها فاتح آئیم. در این راه مقدس، رفقای داخل کشور، همچنان آماده هستند تا با بهره گیری از

هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در
۲۹ - کنگره حزب کمونیست فرانسه در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



کمیسون خارجی مجلس و رابطه ایران و آلمان

بر اساس گزارش روزنامه های مجاز کشور، مجلس شورای اسلامی با انتشار بیانیه ای «از جمهوری فدرال آلمان خواست اجازه ندهند دشمنان روابط ایران و آلمان با اعمال فشار های سیاسی استقلال قوه قضائیه آن کشور را خدشه دار کرده و مانع رای مستقل آزاد و منصفانه دادگاه برلین شوند...» این بیانیه که روز سه شنبه ۲۷ آذرماه در تهران انتشار یافت، همچنین دولت را موظف کرد که موضوع «حضور گسترده گروه های تروریستی معاند جمهوری اسلامی ایران در خاک آلمان و اقدامات قانونی جدی برای بازگرداندن و محاکمه آنان را...» مورد بررسی کارشناسانه قرار دهد و نتایج آن را به مجلس اعلام کند.

در همین زمینه رفسنجانی نیز در مصاحبه با شبکه های تلویزیونی آمریکا مدعی شد که دولت جمهوری اسلامی همه گونه اطلاعات لازم در این زمینه را در اختیار دولت آلمان قرار داده است.

در حد «ذوب شدن در ولایت»

ناطق نوری نماینده گروه رسالت در «انتخابات ریاست جمهوری در نشست مشترک «شوراهای مرکزی تشکل های اسلامی همسو» در پاسخ به سؤال شرکت

کنندگان پیرامون دولت آینده، در صورت «انتخاب» شدنش از جمله گفت: «اگر به سمت ریاست جمهوری انتخاب شوم برای انتخاب وزیران و مدیران اجرایی چهار شرط در نظر گرفته ام که عبارتند از متدین بودن، تبعیت از ولایت فقیه در حد ذوب شدن در ولایت، دارای توان مدیریتی برای انجام مسؤلیت و داشتن روحیه همکاری است و هرکس دارای چنین شرایطی باشد از هر جناحی که باشد استفاده خواهم کرد. اصل برای من این است که از نیروهای مجلس حتی المقدور در کابینه استفاده نکنم. در صورت انتخاب شدن پیشنهادت جناح ها و گروه ها را راجع به تعیین کابینه بررسی خواهم کرد و از افراد پیشنهاد شده در صورت دارا بودن شرایط استفاده خواهد شد... حرف هایی که راجع به کابینه آینده به نقل از من گفته می شود بی اساس است چون من سخنگو ندارم و هرکس حرفی راجع به کابینه از قول من سخن می گوید حرف خودش است...»

صادرات غیرنفتی: از دروغ های گوبلزی تا واقعیت

وزیر صنایع در پنجمین گردهمایی مدیران کل صنایع استان ها و مسوولان وزرات صنایع از جمله گفت: «صادرات غیر نفتی ایران باید در ۲۵ سال آینده به ۱۵۰ میلیارد دلار برسد...» (مطبوعات کشور). جناب وزیر صنایع که بنظر می رسد حتی از یک جمع و تفریق ساده ریاضی نیز عاجز باشد، مانند بسیاری از سران درجه اول رژیم فراموش می کند که حتی براساس آخرین برآوردهای کارشناسان همین وزارت خانه ای که او وزیر آن است سهم صادرات کالاهای غیر نفتی - صنعتی ایران در آغاز برنامه اول ۲ درصد بوده است که حتی بر اساس مبالغه آمیز ترین ادعاها در سال ۷۴ به ۸ تا ۹ درصد رسیده است. بر اساس همین برآوردها و چنانچه برنامه ها و مقررات ویژه و مناسب برای پیشبرد صنعت و تولیدات داخلی وضع گردند، پیش بینی می شود که پس از حداقل یک برنامه ده ساله صادرات غیر نفتی ایران به ۱۸ میلیارد دلار برسد. حال باید دید وزیر محترم رژیم «ولایت فقیه» قرار است ۱۳۲ میلیارد دلار بقیه را چگونه در پایان ۲۵ سال تأمین کند. از همه جالب تر اینکه در همان هفته ای که جناب وزیر این

جنین ادعاهای گوبلزی را طرح می کرد مهندس علی سعید لو، معاون وزیر بازرگانی در امور اقتصادی اعلام کرد که سهم ایران از تجارت جهانی طی ۳۰ سال گذشته از ۰/۶۶ درصد به ۰/۴۳ درصد کاهش یافته است.

اعتراض به روزنامه «ایران»

«کمیته سیاسی شورای مرکزی انجمن اسلامی» دانشجویان دانشگاه های فردوسی و علوم پزشکی مشهد با صدور اعلامیه ای به چاپ خبر حمایت «تشکل های اسلامی خراسان» از نامزدی ناطق نوری در روزنامه ایران اعتراض کرد. در این اعلامیه از جمله آمده است: «تیترا کردن عنوان تشکل های اسلامی خراسان بدون هیچگونه توضیح و یا حتی مشخص کردن تشکل های ده گانه عنوان چنین القاء می کند که تمامی تشکل های اسلامی استان در صدور آن بیبانه دست داشته اند...». «کمیته سیاسی شورای مرکزی انجمن اسلامی» دانشجویان دانشگاه های فردوسی و علوم پزشکی مشهد با «تحریف و بازی سیاسی» دانستن انتشار این خبر در سراسر کشور، روزنامه ایران را متهم به بی مهری نسبت به بیانیه های دیگر گروه ها و تشکل های اسلامی می کند.

قزوین استان شد

بر اساس گزارش مطبوعات کشور، مجلس شورای اسلامی در جلسه ۱۲ دی ماه خود لایحه استان شدن قزوین را به تصویب رساند. رد شدن این لایحه در مجلس قبل به قیام بزرگ مردم این شهر و یورش وحشیانه مزدوران رژیم و به خاک و خون کشیدن بسیاری از اهالی آن منجر گردیده بود. در جریان بحث های مجلس ناطق نوری در پاسخ به مخالفان این لایحه، ضمن اشاره ضمنی به قیام مردم این شهر از جمله گفت: «شرایط سیاسی کشور جز استان شدن اقتضاء نمی کند. نمی شود بخشی از کشور را یله و رها کرد و آنها را بابتکلیف بگذاریم...»

«ائتلاف» چگونه و با چه کسانی؟

حذف تدریجی نقش دین در جامعه و به تعبیری عرفی کردن و سکولار کردن امور دینی و ایجاد فرهنگی لیبرالیستی با مناسبات مبتنی بر تساهل و تسامح و آزادی است... " (نقل قول ها از عصرما ۷/۱۱/۷۲ و عصرما ۱۹/۱۱/۷۳) برآستی آیا حتی عناصر هوادار این گروهها نباید نسبت به این همه تناقض رفتاری و دیدگاه های متفاوت دچار شک و شبهه شوند؟ مگر ممکن است گروههایی که مدعی مخالفت با سرمایه داری اند، با طرفداران سرمایه داری؛ مخالفین رابطه با آمریکا، با موافقین رابطه با آمریکا، موافقان جامعه دو قطبی، با طرفداران عدالت اجتماعی و... زیر یک سقف جمع شوند و ائتلاف کنند؟! برای آنکه مشخص شود این هماهنگی های تاکتیکی چه میزان با حفظ اصول و مواضع همرا بوده کافی است اشاره شود گروهی که بر مسند سخنگویی مجمع روحانیون مبارز نشسته است در آستانه انتخابات مجلس پنجم یکی از اهداف اصلی خود را در صورت راه یابی کاندیداهاش به مجلس تلاش در جهت لغو و تغییر سیاست های تعدیل اقتصادی اعلام کرد اما کاندیداها راه یافته به مجلس از لیست گروه فوق بر ادامه سیاست تعدیل و تغییر ناپذیر بودن آن تاکید دارند!

در پاسخ به این احتمال و شایعات، روزنامه رسالت در شماره ۲ دی ماه خود مقاله ای با عنوان «ائتلاف با کدامین رویکرد»، به نقل از «خبرنامه شماره ۴ تشکل های اسلامی همسو» درج کرد که در آن ها «گروه های خط امام» به عدم پایبندی به اصول اعلام شده از سوی خودشان متهم شدند.

در این مقاله رسالت ضمن نقل موضع گیری های گروه های «خط امام» در مورد گروه «کارگزاران» می نویسد: «علت بروز چنین شبهه های اساسی آن است که برخی گروه های همسو با مجمع که در صحنه سیاسی کشور فعال هستند و در چند سال گذشته متأسفانه نقش سخنگویی جریان خود را ایفاء نموده اند چنین مختصاتی را برای کارگزاران (به تعبیر آنان راست مدرن) ترسیم کرده بودند: "جریان فکری مزبور مورد حمایت ایدئولوژیک قدرتهای بزرگ غربی است... چنانچه بنا بر استقرار یک نظام سرمایه داری در جمهوری اسلامی باشد تنها جریان فوق قادر به استقرار آن خواهد بود... این طیف هر راه حلی جز راه حل های سرمایه داری را مردود می شمارد - نظام اقتصادی ایده آل آن یک نظام سرمایه داری مدرن و در عین حال وابسته است که با نظام سرمایه داری جهانی پیوندی ارگانیک دارد...". و یا اینکه: "مؤلفه های اصلی استراتژی فرهنگی جریان فوق

با نزدیک تر شدن تاریخ «انتخابات» ریاست جمهوری، بازار افشاگری و روکردن دست ها میان جناح های گوناگون، علی رغم تلاش سران رژیم مبنی بر آرام کردن جریان، ادامه دارد که یکی از مهم ترین مشخصه های روشن تر شدن مواضع حقیقی گروه های درگیر و نه آنچه که مورد ادعای آنان است، می باشد. تغییر ۳۶۰ درجه ای مواضع گروه «رسالت»، یعنی نمایندگانی کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی بوروکراتیک از طرفداران پروپاقرص «سپردن کار مردم به مردم» و سیاست «تعدیل اقتصادی»، به مدافعان سرسخت «عدالت اجتماعی» و اتخاذ مواضع قاطع «ضد آمریکایی» از یک سو و نزدیک تر شدن گروه های طرفدار رفسنجانی و با به قولی راست مدرن با گروه های «خط امام»، از سوی دیگر از پدیده های جالبی است که بیش از هر چیز نشانگر ماهیت واقعی نیروهای طرفدار رژیم «ولایت فقیه» است.

در هفته های اخیر بحث بر سر ائتلاف احتمالی «گروه های خط امام» و گروه «کارگزاران سازندگی» با حدت بیشتری در جریان بود، به طوری که مرعشی، نماینده کرمان و از فعالین جناح کارگزاران اعلام کرد: «احتمال ائتلاف بین کارگزاران و مجمع روحانیون مبارز وجود دارد...».

ادامه: نامه رسیده...

مبارزه پیگیر با بورژوازی و امپریالیسم جهانی است از دست نداده است. ما اعتقاد راسخ داریم که این دوران بحرانی چندان دوامی نخواهد داشت. سرمایه داری و هرگونه گرایش سیاسی - اقتصادی که در تحلیل نهایی منافع بورژوازی را در نظر دارد و رنج های خیل عظیمی از جامعه انسانی را نادیده می گیرد هیچگاه نخواهد توانست بر نارضایتی کارگران و زحمتکشان سرپوش گذارد و مبارزه طبقاتی را متوقف کند. از این رو مبارزه ادامه خواهد داشت. عدالت خواهی و انسان دوستی در تضاد آشکار با جوهره سرمایه است و این تضاد همان لوکوموتیوی است که مبارزه در جهان ما را به حرکت در می آورد.

افتخار بر حزب توده ای ما که در سهمناک ترین طوفان ها همچنان پابرجا ایستاده است و پرچم رزم کارگران و زحمتکشان را به دوش می کشد ...

رفقا! همان طور که می دانید، مبارزه در درون کشور عرصه های متفاوت و بغرنجی را در بر می گیرد... یکی از عمده ترین عرصه ها همچنان عرصه مبارزه زنان میهن ما علیه رژیم ارتجاعی حاکم است.

ستم طبقاتی و ستم جنسی بر زنان پدیده ای نوظهور نیست. زنان در طول تاریخ همواره از شرایطی که بر آنان تحمیل شده و آنان را به پستوی خانه ها رانده و وادار به اطاعت از قوانین و آداب و رسوم جامعه ای که کمتر حقی برای آنان قائل بوده است، رنج برده و می برند.

با پیدایی نظام سرمایه داری در جهان، علی رغم ادامه ستم طبقاتی که همچنان بر زنان کارگر و زحمتکش روا می شد، پاره ای از قوانین دست و پا گیر که حضور زنان در جامعه را نمی پذیرفت از میان رفت. بورژوازی نیاز به کار کارگران زن داشت تا در ازای کار مساوی با مردان دستمزد کمتری به آنها بپردازد و ذخیره ای عظیم از نیروی انسانی ارزان برای استثمار در اختیار خود داشته باشد. در چنین شرایطی بود که زنان به میدان مبارزه گام گذاشتند و توانستند،

برخی از حقوق خود مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، و ... را از سرمایه داری بگیرند. زنان میهن ما نیز با بسط و گسترش مناسبات سرمایه داری در ایران، کم کم پا به صحنه زندگی اجتماعی گذاشتند. حزب ما از همان ابتدای فعالیت خود بنابه مشی انقلابی خود به دفاع از حقوق زنان برخاست و آنان را دعوت کرد تا به ایجاد سازمان های توده ای برای دفاع از حقوق خود اقدام کنند. چنین شد که نخستین تشکل های فراگیر زنان به کمک حزب توده ایران پا گرفت و به سرعت جایگاه ویژه ای در جامعه عقب مانده ما پیدا کرد.

با روی کار آمدن رژیم «ولایت فقیه»، یورش جدیدی به حقوق زنان آغاز شد و بسیاری از حقوق اجتماعی آنان که در طول سال ها مبارزه به دست آمده بود پایمال اندیشه های ارتجاع شد.

حق قضاوت از آنان گرفته شد، حقوق قضایی زن به نیمی از حقوق مرد تنزل پیدا کرد. حق طلاق و سرپرستی کودکان از آنان سلب شد، مگر آنکه شوهر رضا دهد، و کم کم کار به جایی رسید که حتی حق انتخاب نوع و رنگ لباس نیز از آنان سلب گردید. فشارهای اجتماعی از این دست روز به روز بیشتر می شود و ارتجاع حاکم تلاش می ورزد به بهانه های گوناگون زنان را در تنگنای بیشتری قرار دهد. در مقابل این فشارها، زنان میهن ما امروز در صف مقدم مبارزه با رژیم «ولایت فقیه» قرار گرفته اند. ایجاد تشکل های گوناگون زنان، در کنار فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بیش از پیش زنان نشانگر عزم راسخ آنان در دفاع از حقوق انسانی خود می باشد. از برگزاری کلاس های گوناگون از سواد آموزی تا حرفه آموزی، تا شرکت فعال در محافل فرهنگی - هنری تا برگزاری هرساله جشن هشتم مارس از جمله فعالیت هایی است که می توان در اینجا به آن اشاره کرد.

امروز در محافل مترقی کشور بحث های گوناگونی پیرامون چگونگی مبارزه اجتماعی - سیاسی در شرایط حاکم بودن رژیم ارتجاعی و ارگان های سرکوبگر آن در جریان است. در عرصه مبارزه زنان در کنار رشد نظرات مترقی پیرامون ضرورت پیش برد یک مبارزه مشترک دوش به دوش مردان، گرایشات فمینیستی نیز در حال شکل گیری است که می توان آن را در

پاره ای از تشکل های موجود زنان و خصوصاً دختران جوانی که پا به عرصه مبارزه نهادند مشاهده کرد.

این گرایش ها با مخدوش کردن مرزهای طبقاتی، نبرد زنان را نه در جهت دفاع همزمان از حقوق زنان به طور کلی و مبارزه همدوش با مردان برای برقراری مناسبات عادلانه اقتصادی - سیاسی بلکه به سمت مبارزه علیه مردان می کشانند و یا جهت مبارزه را حداکثر در چارچوب اصلاح حقوق قضایی کشور خلاصه می کنند. ما ضمن ابراز عدم توافق با چنین برداشت های نادرستی معتقدیم که خطوط اساسی مبارزه در راه حقوق زنان در شرایط کنونی را می توان پیرامون دو هدف عمده زیر متمرکز کرد:

۱- شرکت در مبارزه انقلابی توده ها، دوش به دوش مردان برای برجیدن رژیم «ولایت فقیه» و برقراری حکومتی دموکراتیک که در چارچوب آن بتواند به چنان شرایطی دست یافت که هرکس بتواند در سایه کار و تلاش خود از حق زندگی شرافتمندانه بی هیچگونه تنگنا و مرارتی برخوردار باشد.

۲- شرکت در مبارزه برای دست یابی به حقوق برابر با مردان در تمامی عرصه های اجتماعی و اقتصادی و پایان دادن فوری به تزییقاتی که در شرایط کنونی به زنان در عرصه های گوناگون روا می شود.

امروز مبارزه در راه عدالت اجتماعی و پایان دادن به ستم طبقاتی عظیمی که میلیون ها خانواده را به فقر و محرومیت رانده است، یکی از مهمترین عرصه ها و زمینه بسیج گری برای مبارزه با رژیم است. از جمله معضلات مهمی که باید به آن توجه خاص کرد، موضوع حق اشتغال برای زنان است که به دلیل محدودیت های وسیع، شرایط را برای استقلال اقتصادی و نتیجتاً اجتماعی زنان بیش از پیش دشوار کرده است. از عرصه های مهم دیگر حذف لوایح ارتجاعی گنجانده شده در قوانین قضایی کشور، دفاع از حقوق و آزادی زنان در وسایل ارتباط جمعی و برجیدن گروه های فشار «حزب الله»، «انصار حزب الله»، «منکرات» و گروه های گوناگون بسیج و سپاه است که روزانه متعرض زنان میهن ما هستند...

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه جهان در سال ...

عمده ترین مشخصه توسعه اقتصادی سرمایه داری امروز جهان «رشد بیکاری» است. در سپتامبر نرخ بیکاری در ایالات متحده دوباره افزایش یافت و به ۵/۲ درصد نیروی کار رسید. در اروپا در حدود ده درصد نیروی کار یعنی قریب ۲۰ میلیون کارگر از اشتغال محرومند. در سال ۱۹۹۶ تعداد بیکاران در آلمان از سطح ۴ میلیون نفر یعنی ۱۰/۸ درصد نیروی کار گذشت. علی رغم بهبود نرخ بیکاری و کاهش آن به ۱۰/۱ درصد در ماه سپتامبر، بازار کار شدیداً متلاطم و افزایش دوباره روند بیکاری محتمل است. در فرانسه نرخ بیکاری در ماه اوت به ۱۲/۶ درصد رسید که نشان دهنده افزایش قابل ملاحظه در مقایسه با اوت ۱۹۹۵ است که نرخ بیکاری معادل ۱۱/۶ درصد بود. تمامی پیش بینی ها دال بر وخیم تر شدن اوضاع اشتغال و بیکار شدن تعداد وسیعی از کارگران است.

در پاسخ به چنین بحرانی، در بیشتر کشورهای سرمایه داری پیشرفته حمله جدی و مهلکی به سیستم تامین اجتماعی در جریان بود و سرمایه داری کاهش بودجه هزینه های اجتماعی را به بهای کاهش استاندارد زندگی زحمتکشان هدف خود قرار داد. در ایالات متحده آمریکا تلاش دولت کلینتون در کاهش بودجه مراقبت های پزشکی سالمندان به میزان ۱۲۴ میلیارد دلار و برای مستمندان به میزان ۵۹ میلیارد دلار، در این جهت ارزیابی می شود. برخورد بین کنگره آمریکا - که تحت کنترل جمهوری خواهان است - و بیل کلینتون، رئیس جمهور نماینده حزب دموکرات در رابطه با تعیین سقف بدهی دولت به ۴۹۰۰ میلیارد دلار مطمئناً به کاهش بیشتر در هزینه های اجتماعی خواهد انجامید. بدهی ایالات متحده قبل از پایان تابستان از این رقم تجاوز کرد و دولت به منظور تامین نظر جمهوری خواهان کاهش بودجه تامین اجتماعی را آغاز کرده است. در حقیقت اگر مسأله انتخابات ریاست جمهوری در ماه نوامبر توجه رسانه ها و افکار عمومی را متوجه خود نکرده بود، مسأله بحران بودجه تامین اجتماعی که شدیداً بر زندگی توده های میلیونی زحمتکشان ایالات متحده و به حاشیه رانده شدگان این ابر قدرت امپریالیستی تاثیر می گذارد، به مسأله عمده مطرح در جامعه بدل می شد.

آلمان، محور عمده سرمایه داری اروپا، نیز یک سری اقدامات ریاضت کشی اقتصادی وسیع را اعلام کرده است. مخالفت مردم با این برنامه دولت در گردهمایی های اول ماه مه و اقدامات اعتراضی طبقه کارگر در ماه های بعد به نمایش گذاشته شد. در روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه مه بیش از صد هزار کارگر در خیابان های

۶۰ شهر در سراسر آلمان به اعتراض و تظاهرات پرداختند. در ماه های پایانی سال ۱۹۹۶ مبارزه اعتراضی کارگران آلمانی شامل اعتصابات بزرگ و فلج کننده در صنایع مهندسی عمده علیه طرح دولت برای کاهش دستمزد کارگران در دوران بیماری، دولت آلمان را مجبور به عقب نشینی کرد.

در فرانسه طبقه کارگر در نمایشی شکوهمند از قدرت، روشن بینی و سازماندهی خود، جنبش اعتراضی موثری را علیه طرح های دولت در حمله به خدمات اجتماعی و کاهش ۲ درصدی در کمبود بودجه که فشار اصلی آن متوجه خدمات اجتماعی است سازمان داد. اعتصاب موفقیت آمیز کارگران بخش دولتی در سراسر فرانسه در روز ۲۹ ماه مه فقط بخشی از مبارزه کارگران فرانسوی و اتحادیه های کارگری بود که در دو سال اخیر نه فقط دولت فرانسه بلکه برنامه های سرمایه انحصاری در اروپا را هدف قرار داده است. اوج مبارزات کارگری در اسپانیا، پرتغال و ایتالیا در طلب سیاست های عدالتخواهانه، بهبود و شرایط کار و افزایش دستمزد همگی نشانگر درک طبقاتی صحیح طبقه کارگر از ناتوانی سرمایه داری به فراهم آوردن اساسی تر خواسته های آنان و لزوم مبارزه پیگیر با آن است.

در انگلستان، دولت محافظه کار در ادامه سیاست گذاری های ضد کارگری خود در ماه آوریل با ملغی کردن قانون «مزایای بیکاری» و «حمایت درآمد» و معرفی یک قانون شدیداً دست و پاگیر تحت عنوان «مقرری جویندگان کار» عملاً به عوض ایجاد اشتغال به کاهش مصنوعی تعداد بیکاران کمر بسته است. از مشخصات عمده این تغییر پایه ای در سیاست دولت، قطع مزایای بیکاری تحت عناوین گوناگون و لذا کاهش تعداد بیکاران رسمی و نیز فشار به بیکاران برای قبول کارهای نیمه وقت، با شرایط و حقوق نامناسب است. انگلستان تنها کشور اروپایی است که تحت چنین تمهیداتی، مدعی است که نرخ بیکاری را تقلیل داده است، هر چند بسیاری از صاحب نظران تعداد واقعی بیکاران را بسیار فراتر از رقم ۲ میلیون نفر می دانند که دولت در تبلیغات خود به آن اشاره می کند. مبارزه اعتراضی کارگران بندرگاه های لیورپول، کارگران مبل سازی «مگنت» در دارلینگتون، استادان دانشگاه ها و مدارس عالی انگلیس همه دلالت بر اوج گیری یک مقاومت رشد یابنده در مقابل حملات محیلا نه دولت می باشد.

در کشورهای در حال توسعه و جهان سوم نیز اعتراضات زحمتکشان علیه نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سیاست های اقتصادی نئولیبرالی محافظ حاکم، در قالب اعتصابات و قیام های توده ای و خونین تجلی داشتند. در اردن زحمتکشان در اعتراض به

هدف یارانه (سوبسید) نان و گندم و افزایش ۳۰۰ درصدی ارزاق به خیابان ها ریختند. سیاست های اقتصادی دولت اردن مستقیماً از سوی صندوق بین المللی پول دیکته شده و حتی اکثر نمایندگان پارلمان نیز مخالف آن هستند. قیام مردم در جنوب اردن که وسیع ترین صدمات اجتماعی را متحمل شده اند در روزهای پایانی مرداد ماه با دخالت نیروهای نظامی سرکوب شد. بخش عمده ای از رهبران حزب کمونیست اردن به اتهام شرکت در سازماندهی این قیام دستگیر شدند. در برزیل برای اولین بار پس از ۵ سال یک اعتصاب عمومی سراسری در مخالفت و اعتراض به بیکاری گسترش یافته انجام گرفت. این جنبش موفق همزمان با مبارزات «جنبش کارگران بی زمین مبارز» شامل مصادره زمین در اراضی بزرگ در جریان بود. در برخوردهایی که بین اعتراض کنندگان و پلیس و ارتش که به طرفداری از زمین داران و ملاکین به میدان آمده بودند، در گرفت. بسیاری از شرکت کنندگان جنبش کارگران بی زمین کشته شدند. اوج گیری اعتراضات وسیع ضد دولتی در اندونزی را باید نمایشگر رشد کیفی جنبش دموکراتیک در مبارزه طولانی و خونین آن علیه دیکتاتوری سوهارتو دانست. دیکتاتوری حاکم سعی کرده است که اوج گیری اعتراضات مردمی علیه شرایط ناهنجار اجتماعی و فقدان دموکراسی را محصول برخوردهای بین فراکسیون پوزیسیون بداند. لیکن پیوستن دهها هزار زحمتکش اندونزی به اعتراضات توده ای ضد دولتی و حمایت مستقیم و صریح جنبش مستقل اتحادیه های کارگری اندونزی از خواست های دموکراتیک و عدالت جویانه مردم دروغ سورهاتو را بر ملا کرد. دستگیری مختار پاکروان، رهبر خوشنام جنبش کارگری و محاکمه او به جرم اقدام علیه امنیت کشور و همچنین تبلیغات دولت که گویا حزب دموکراتیک اندونزی به رهبری مگاواتی سوکارنو زیر نفوذ کمونیست ها بوده و تظاهرات توده ای تحت کنترل حزب کمونیست اندونزی برگزار می شود، وحشت سورهاتو را از تعمیق جنبش نشان می دهد. اعطای جایزه صلح نوبل ۱۹۹۶ به اسقف اعظم تیمور شرقی بار دیگر توجه بین المللی را به حقیقت اشغال این کشور توسط دیکتاتوری اندونزی جلب کرد. مبارزه هماهنگ بین المللی برای فشار به اندونزی برای به رسمیت شناختن حق توده های این کشور و تخلیه نیروهای اشغالگر خود که از ۱۹۷۵ حکومت سرنیزه را در آنجا اعمال کرده اند، در سال گذشته ابعاد گسترده تری یافت. ترکیخواهان جهان و به ویژه احزاب کمونیست و کارگری در صف مقدم این کارزار بوده اند.

ادامه جهان در سال

اوج گیری مبارزات کارگری در کره جنوبی در آخرین ماه های سال ۱۹۹۶ و دورنمای ادامه آن در سال جدید از دیگر شواهد عزم زحمتکشان به مبارزه علیه انحصارات و قوانین ضد کارگری بود. صدها هزار کارگر کره جنوبی که در صنایع و خدمات از کشتی سازی و ماشین سازی گرفته تا کارمندان بیمارستان ها و وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات اشتغال دارند، در یک موج اعتصابات موثر و هماهنگ مخالفت صریح خود را با قانون جدید کار که دولت و کارفرمایان تصویب کرده اند به نمایش گذاشتند. دولت کره جنوبی معتقد است که این قانون کار ضد دموکراتیک که بدون سروصدا و به سرعت به تصویب پارلمان رسیده برای حفظ موقعیت اقتصادی و قابلیت رقابت با اقتصادهای دیگر جنوب آسیا اهمیت اساسی دارد. دولت با غیر قانونی اعلام کردن کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره که ۵۰۰/۰۰۰ نفر عضو دارد و نیز با به کارگیری پلیس و نیروهای نظامی علیه اعتصابیون ماهیت واقعی «نمونه موفق سرمایه داری آسیایی» را به نمایش گذاشت. دولت اعلام کرده است که از زمان شروع اعتصاب، صنایع درگیر ۴۰۳ میلیون دلار صدمه دیده اند و دستور جلب ۲۰ تن از رهبران کنفدراسیون را صادر کرده است. رهبر کنفدراسیون، کوان یانگ کیل گفته است که به فرامین جلب رهبران سندیکایی واقعی نخواهد گذاشت و تهدید کرده است در صورتی که رییس جمهور، کیم یانگ سام قانون کار ارتجاعی را ملغی نکند، اعتصابات دامنه وسیع تری خواهد یافت. در صورتی که مرکز دیگر سندیکای کره جنوبی به نام فدراسیون اتحادیه های کارگری کره که ۱/۲ میلیون عضو دارد به اعتصابات پیوندند، اقتصاد کره جنوبی کاملاً فلج خواهد شد.

کوشش برای تامین هزمونی ایالات متحده

طی این دوره ایالات متحده آمریکا کوشش کرده است که اراده خود را بر جهان تحمیل کند. آشکار ترین کوشش ها در سال گذشته در جریان از سرگیری حملات موشکی ایالات متحده به عراق در جریان تحولات خونین و تاسف بار کردستان عراق در اوت و سپتامبر بود. این حقیقتی است که حمله موشکی آمریکا به جنوب عراق که پس از تخلیه نیروهای نظامی عراق از مناطق کردنشین صورت گرفت هیچ گونه ارتباطی به کارزار دفاع از حقوق مردم کردستان نداشته بلکه فقط و فقط ناشی از تمایلات برتری طلبانه امپریالیسم آمریکا است. فاش شدن این مطلب که در اولین روزهای جنگ دوباره حزب دموکرات کردستان عراق و جبهه میهنی کردستان عراق، ایالات متحده، بی سروصدا، بیش از

۲۰۰۰ نفر از عوامل خود را به ترکیه و سپس به ایالات متحده منتقل ساخت، جهت اصلی فعالیت های ایالات متحده را زیر پوشش حفاظت دادن به کردها، به نمایش گذاشت. به گزارش محافل مطلع، این عده در ایستگاه های متعدد جمع آوری اطلاعات سازمان سیا که در کردستان عراق تاسیس شده است، فعالیت داشته اند. مخالفت بخش عمده کشورهای جهان با حمله نظامی ایالات متحده آمریکا به عراق و موضع کشورهای اروپایی و به ویژه فرانسه در این رابطه مشکلات ابر قدرت یانکی را در عملی کردن برنامه های خود فاش می کند. در دسامبر اعلام شد که فرانسه از جمع ۴ کشور فراهم آورنده «پوشش هوایی برای تامین کردستان» که ترکیه، ایالات متحده و انگلیس اعضای دیگر آن بودند، کناره گرفته است. در جریان مذاکرات برای «قرارداد منع آزمایش های هسته ای»، در جریان تاسیس سازمان تجاری جهانی و نیز در پروسه انتخاب دبیر سازمان ملل برای یک دوره پنج ساله جدید نیز ایالات متحده به دلیل کوشش برای تحمیل شرایط و اراده خود مستقیماً در مقابل جهان قرار گرفت. در جریان انتخاب جانشین برای پطروس غالی، دبیر کل پیشین سازمان ملل، موضع ایالات متحده در شورای امنیت در اقلیت محض قرار داشت و امپریالیسم یانکی فقط به مدد رای وتوی خود توانست از برگماری پطروس غالی جلوگیری کند و فرد مورد نظر خود را تحمیل کند.

آشکارترین کوشش های برتری جویانه ایالات متحده در رابطه با کوبا بود. ایالات متحده در سال گذشته مصرانه کوشید که قانون هلمس برتون را که بر طبق آن ایالات متحده می تواند کشورهایی را که با کوبا روابط اقتصادی دارند مجازات کند، به اجرا بگذارد لیکن موج حمایت و همبستگی خلق های جهان با کوبای سوسیالیستی از یک سو و تضادهای بین کشورهای امپریالیستی از سوی دیگر، سدهای بلندی در پیش راه امپریالیسم آمریکا قرار دادند. اتحادیه اروپا و کانادا مواضع سرسختانه ای در تقابل با این قانون اتخاذ کردند. قبل از آن مکزیک نیز به طور رسمی به ایالات متحده در این رابطه اعتراض کرده و اعلام کرده بود که به روابط اقتصادی متقابل خود با کوبا ادامه خواهد داد. وزیر خارجه بریتانیا، نزدیک ترین متحد اروپایی امپریالیسم یانکی، به طور صریح و علنی قصد این کشور را به سرپیچی از مصوبات ایالات متحده اعلام کرد. این حقیقتی است که در سال های اخیر بسیاری از کشورهای اروپایی و کانادا روابط اقتصادی متقابل و رشد یابنده ای را با کوبا برقرار کرده اند.

در اجلاس سازمان کشورهای قاره آمریکا در ماه ژوئن، مخالفت صریح کشورهای همسایه و مجاور ایالات متحده با قانون هلمس - برتون از طریق رای ۱-۲۳ (فقط ایالات متحده رای

موافق داد) به نمایش گذاشته شد. در اکتبر مجمع عمومی سازمان ملل در یک نمایش باشکوه همبستگی بین المللی با کوبا با رای ۱۳۷ به ۳ ادامه تحریم اقتصادی کوبا توسط ایالات متحده را محکوم کرد. تمامی کشورهای اتحادیه اروپا از طرح قطعنامه هیأت کوبایی حمایت کردند و فقط اسرائیل، از پاکستان و ایالات متحده علیه آن رای دادند. در سال گذشته ایالات متحده همچنین در رابطه با اعمال قانون داماتو برای اعمال نوعی تحریم علیه لیبی و ایران مورد مخالفت کشورهای جهان و به ویژه اتحادیه اروپا قرار گرفت. لئون بریتانیا، از مقامات عالی رتبه اتحادیه اروپا اصرار آمریکا برای تحمیل سیاست های خود به کشورهای اروپا را تقض خشن مصوبات سازمان تجارت جهانی دانست و تهدید کرد که اتحادیه اروپا در صورت اقدام آمریکا مقابله به مثل خواهد کرد. نشانه های فراوانی در دست است که در مواجهه با چنین مخالفتی دولت کلبنتون بی سرو صدا اجرای این قانون را در حال حاضر به تعویق انداخته است.

خاورمیانه

در سال گذشته مبارزه برحق مردم فلسطین برای تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی، در جریان مجموعه ای از رخدادهای پیچیده و بغرنج، مورد توجه و پشتیبانی فعالیت های نیروهای عمده جهان قرار داشت. شکست سیاست محافظه کارانه دولت شیمون پرز در ادامه پیش برد صلح وضعیت حادی را در خاورمیانه ایجاد کرده است.

دولت جدید از همان ابتدای کار دست به مانع تراشی و جلوگیری از اجرای موافقتنامه های امضاء شده زد. از سویی دولت تخلیه نیروهای خود را از مناطق فلسطینی به تعویق انداخت و از سوی دیگر تاسیس دهکده های یهودی نشین در اراضی فلسطینی را که طبق موافقتنامه ها می بایست تعطیل می شد، از نو با سرعت بیشتری ادامه داد. موضع محافظه کارانه ایالات متحده و دیگر کشورهای غرب و نیز بی عملی کشورهای عربی، که به عوض همبستگی با خلق فلسطین در طلب موقعیت بهتری در ایجاد رابطه با اسرائیل بودند، عامل اصلی تشویق نتانیاهو در پیش برد سیاستش بود. قیام سپتامبر ۱۹۹۶ یکبار دیگر منابع غنی انسانی جنبش خلق فلسطین و آمادگی توده ها را برای ادامه مبارزه ثابت کرد. واکنش سریع تمامی اقشار و نیروهای فلسطینی به دفاع از حقوقشان عامل تعیین کننده ای در تغییر جهت تحولات بود. در زد و خورد های خونین بین نیروهای فلسطینی و نیروهای مسلح اسرائیل دهها تن کشته شدند. بهانه شروع قیام تصمیم دولت نتانیاهو به باز کردن تونلی در زیر اماکن مقدس اسلامی اورشلیم بود. نیروهای فلسطینی

ادامه جهان در سال ...

به درستی این قدم را به عنوان شروع حرکت جدید اسرائیل برای مستحکم کردن کنترل اسرائیل بر اورشلیم و یهودی کردن آن ارزیابی کردند. قیام مردم فلسطین در عین حال مشوق تشدید مبارزه چندین نیرو در اسرائیل شد. تظاهرات دهها هزار نفر از مردم در تل آویو، از سرگیری فعالیت های جنبش «صلح اکنون» و «فعالان جوان» در حزب کارگر و دیگر سازمان های کارگری مخالف در خواستار شدن ادامه پروسه صلح، فقط در این رابطه قابل بررسی است. عملا محاسبات نتانیاهو غلط از کار درآمد. او حساب چنین مقاومت قهرمانانه ای از جانب مردم، حمایت نیروهای نظامی دولت خودمختار از جنبش و اعاده همبستگی خلق های عرب را نکرده بود.

این که کلیتون مجبور شد تحت تاثیر قیام توده ای سریعاً گردهمایی واشنگتن را برای بحث در مورد وضعیت فلسطین فراخواند، در مقایسه با موضع بی تفاوت ایالات متحده در هفته های قبل از قیام، خود یک پیروزی محسوب می شود. به دنبال گردهمایی واشنگتن پرزیدنت کلیتون از جانب شرکت کنندگان به صراحت اعلام کرد که نیاز به پیاده کردن موافقتنامه ها می باشد. گردهمایی واشنگتن عملاً، باردیگر مسأله فلسطین را به مرکز توجه بین المللی کشید و این در تضاد با طرح نتانیاهو برای مسکوت گذاردن و یا نابود کردن این مسأله است. عکس العمل کشورهای اروپایی در رابطه با قیام همچنین در بردارنده نشانه های یک اختلاف جدی در مواضع ایالات متحده و اتحادیه اروپا بود که به وضوح در نامه مشترک و شدید الحن سران سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس به دولت اسرائیل مشهود بود. این موضع، آمریکا را نگران ساخت و کلیتون را وادار کرد که مخالفت خود را با شرکت فرانسه یا هر کشور دیگر اروپایی در گردهمایی اعلام کند. قیام مردم فلسطین همچنین جان تازه ای به جنبش همبستگی خلق های عرب داد و این محاسبه نتانیاهو را که توانسته است مردم فلسطین و حکومت خودمختار را از حامیان طبیعی آن جدا سازد نقش بر آب کرد.

اوضاع در مرزهای شرقی میهن ما وخیم تر و خطرناک تر می شود. برکناری دولت بی نظیر بوتو توسط رییس جمهور این کشور به اتهام بی لیاقتی، فساد و پارتی بازی و نه به این دلیل که دولت خانم بوتو پتانسیلی در جهت احقاق حقوق زحمتکشان پاکستان داشته، بلکه به دلیل ماهیت نیروهای اهریمنی ای که پشت سر ریاست جمهوری پنهان شده اند. رخدادی منفی است. این کودتاگونه زیر فشار نظامیان پاکستان و نیز محافل راست وابسته به جماعت اسلامی و به تشویق دست های پرقدرتی در صندوق بین المللی پول که عدم رضایت خود را از سیاست های خانم

بوتو آشکارا اعلام کرده بودند، صورت پذیرفت. برکناری خانم بوتو صرف نظر از اینکه سنت کودتا را باردیگر در این کشور جاری می سازد و ساختارهای دموکراتیک را به تعطیل می کشد، به خاطر پیامدهای آن برای تحولات هندوستان، افغانستان و ایران نمی تواند مورد حمایت نیروهای ترقی خواه باشد. با سقوط کابل بدست نیروهای طالبان که تحت حمایت پاکستان می باشند، تحولات این کشور بار دیگر در صفحات مطبوعات جهان مطرح شد. شیوه بربرمنشانه قتل نجیب اله و برادر او که تحت محافظت نیروهای سازمان ملل بودند جهان را از توحش این طلبه های ارتجاع تکان داد. پس از اشغال کابل، طالبان به سرعت قوانین عقب مانده قرون وسطایی خود را مبنی بر ممنوعیت زنان از اشتغال و جلوگیری از تحصیل دختران در مدارس و تحمیل دست و پا گیرترین نوع حجاب بر زنان اعمال کرده اند. تاریک اندیشان حاکم بر کابل حتی پزشکان و نرس های زن در بیمارستان ها را مورد محدودیت های جدی قرار داده اند به طوری که آنها فقط مجازند بیماران زن را معالجه کنند و از هرگونه تماس با همکاران مرد خود برحذر شده اند. به گزارش رسانه های گروهی جهان جنایات بی پایان طالبان علیه جمعیت غیر نظامی هم چنان رو به افزایش است. طالبان برای اینکه اسلامی تر بودن خود را در مقایسه با همتایان خود در تهران، که ماهواره و ویدئو را ممنوع اعلام کرده اند، نشان بدهند، تلویزیون ها را به دار کشیدند و لاشه نوارهای کاست را بر سر تیرهای چراغ برق آویزان کردند. جنگ داخلی افغانستان علی رغم سقوط کابل، بشدت ادامه دارد و اکنون آشکارا شکل قومی گرفته است. از یکسو طالبان که پشتو و مورد حمایت پاکستان هستند، از سوی دیگر تاجیک ها که در استان شرقی مستقر هستند و تحت رهبری احمد شاه مسعود قرار دارند. و از جانب دیگر نیروهای ازبک که شمال غرب را کنترل می کنند و رهبری آنها بدست عبدالرشید دوستم است، بطور عمده اقوام درگیر را نشان می دهند. در مرحله کنونی نیروهای وفادار به رژیم سرنگون شده ربانی و عبدالرشید دوستم نیروهای خود را علیه طالبان متحد کرده اند. علی رغم موفقیت های نظامی متحدان ضد طالبان، بدلیل عدم اتفاق نظر در بین این دو نیرو انتظار تحولات مثبت در افغانستان، در آینده نزدیک، غیر واقعی است.

امپریالیسم آمریکا که مدت ۱۶ سال جنگ علیه ترقی خواهان افغانستان را اداره کرده است در صدد بهره گیری از امکان استراتژیکی است که تسلط طالبان بر کشور برایش فراهم می کند. ایالات متحده در صدد است که منابع نفت و گاز ترکمنستان و سایر جمهوری های آسیایی اتحاد شوروی سابق را از طریق افغانستان زیر حاکمیت طالبان به پاکستان حامی طالبان و از آن طریق به آبهای بین المللی برساند. سرمایه

گذاری ایالات متحده در این رابطه از مدت ها پیش افشاشده است و لذا نباید نقش امپریالیسم را در حمایت از طالبان در ایجاد سکوت گورستانی و امنیت مورد تایید امپریالیسم در افغانستان، از نظر دور داشت.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری روسیه

گرچه در بردارنده پیروزی گنادی زیوگانف، کاندیدای نیروهای چپ و مترقی و مردمی روسیه نبود. لیکن کسب بیش از ۴۰ درصد آراء مردمی برای پلاتفرم دفاع از دستاوردهای انقلاب اکتبر، در شرایطی که تمامی نیروهای ارتجاعی روسیه و جهان کوشش می کردند که یلتسین پیروز شود، خود پیروزی تاریخی است. در ارزیابی انتخابات روسیه نمی بایست صرف دهها میلیون دلار از سوی صندوق بین المللی پول برای جلب رای به نفع یلتسین و عملکرد شدیداً ارتجاعی و ضد دموکراتیک رسانه های خبری در مسکوت گذاردن کارزار انتخاباتی زیوگانف را فراموش کرد. در عمل تطمیع آلکساندر لید و جلب حمایت نیروهای به اصطلاح جهانی به یلتسین اجازه داد که به پیروزی مشکوک و خارج از اعتباری نایل شود که حتی برخی ناظران بین المللی نیز آن را غیر دموکراتیک خواندند. اینکه یلتسین علی رغم مشکلات شخصیتی و بیماری قلبی هنوز هم تنها مهره سرمایه داری روس و امپریالیسم جهانی برای کاندیداتوری ریاست جمهوری روسیه بود خود وضع ضعیف آنها را به نمایش می گذارد که در آینده می تواند تعیین کننده باشد. بیماری قلبی یلتسین و اینکه پس از انتخابات او از صحنه فعال سیاسی خارج شده است، علی رغم توفیق لید به حصول نوعی صلح در چچن، بحران عمیقی را در روسیه بوجود آورده است.

زیوگانف در اظهاراتی که نشانه هایی از احتمال وقوع یکسری تحولات طوفانی در روسیه را داشت اظهار کرد که نباید اجازه داد که جنگ های مداخله گرانه ای شبیه آنچه پس از انقلاب اکتبر صورت گرفت به وقوع بپیوندد و گفت: «ما هیچگاه نباید به آن بازگردیم... مردم از همه اقشار جامعه و در سراسر کشور پشت سرما متحد شده اند و این یک پیروزی عظیم است.»

منتشر شد

دو مقاله فلسفی

به قلم:

احسان طبری

ادامه: عوام فریبی و ...

۲۵/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۰ به کمتر از ۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۴ رسید، معذالک هیچ مانعی بر سر رشد اقتصادی ایجاد نشد و تراز کنونی تجارت خارجی ایران مثبت است و اعتبار کشور در بازارهای بین المللی روز به روز افزایش می یابد. دکتر شیبانی دبیرکل بانک مرکزی نیز در مصاحبه ای به تاریخ ۲۹ آذرماه، ضمن بر شمردن ویژگی های بودجه مدعی شد که تورم زیر کنترل دولت است، روند رشد نقدینگی مهار شده است و شرکت های دولتی برای نخستین بار موظف شده اند که حداقل ۱۰۰۰ میلیارد ریال از بدهی خود را به بانک مرکزی بازپرداخت کنند. این ادعاهای سران رژیم مانند ادعاهای ارائه شده در بودجه های سال های گذشته چیزی جز حرف های بی پایه و اساس و عوام فریبی نیست. نگاهی به آمار و ارقام ارائه شده در بودجه سال ۱۳۷۶ و مقایسه آن با آمار منتشر شده در لایحه روزنامه های مجاز و سخنرانی های انجام شده در مجلس تصویر روشنی را از ابعاد دروغگویی سران رژیم به نمایش می گذارد. به عنوان نمونه توجه خوانندگان را به برخی آمار زیر جلب می کنیم.

دری نجف آبادی، رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در پاسخ به این سؤال که صفر بودن کسری بودجه با تورم حدود ۵۱ درصد چه ارتباطی دارد؟ و آیا واقعاً کسری بودجه صفر است، از جمله می گوید: «علت اصلی تورم در کشور رشد نقدینگی می باشد. یعنی سیاست های پولی صدرصد بر تورم تأثیر گذار است. در سال گذشته رشد نقدینگی ۳۷/۵ درصد بوده است که این امر تورم ۴۹/۶ درصدی را ببار آورد که این نرخ تورم در ۵۰ سال گذشته بی سابقه بوده است... نقدینگی موجود در جامعه از حدود ۶۲ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۳ به ۸۵ هزار میلیارد ریال در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است...» (رسالت ۳ دی ماه ۱۳۷۵).

در مورد کسری بودجه صفر مورد ادعای رفسنجانی نیز حقیقت غیر از این است. نگاهی گذرا به آمار ارائه شده در بودجه سال ۱۳۷۶ روشن می کند که به عنوان نمونه شرکت های دولتی به میزان ۱۹۹۰۰ میلیارد ریال وام از دولت دریافت می کنند و تنها ۱۴۴۰۰ میلیارد آن را باز پرداخت خواهند کرد. به عبارت دیگر ۵۵۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه شرکت های دولتی است که به صورت رسمی در آمار بودجه نیامده است. همچنین بررسی ارقام بودجه مشخص می کند که از جمله منابع تأمین بودجه عمومی کشور، فروش ۲۲۵۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت دولت و ۳۰۰ میلیارد ریال استقراض آموزش و پرورش از سیستم بانکی کشور جهت تأمین هزینه هایش می باشد. به عبارت دیگر میزان ۲۵۵۰ میلیارد ریال از بودجه عمومی یعنی ۸ درصد کل آن می بایست از طریق استقراض تأمین گردد.

سید مرتضی نبوی، رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس نیز در مورد کسری بودجه واقعی دولت تأیید می کند که: «در سال جاری دولت برای ساخت بیمارستان ها میزان ۵۰ میلیارد ریال و ۲۵۰ میلیارد ریال نیز برای سایر طرح ها

اجازه انتشار اوراق مشارکت داشت. بر اساس اطلاعات موجود از این ۳۰۰ میلیارد ریال علی رغم تلاش های موجود حدود ۲۰ میلیارد ریال آن خریداری شد...». به عبارت دیگر دولت از بودجه سال گذشته نیز نزدیک به ۲۸۰ میلیارد ریال کسری دارد که می بایست قاعدتاً به هزینه های امسال اضافه گردد. نبوی همچنین اضافه می کند که ۹۰۰ میلیارد ریال برای تأمین کالاهای اساسی کسری وجود دارد و عوارض حقوق گمرکی پیش بینی شده نیز تحقق نخواهد یافت و این ها همه کسری بودجه عمومی دولت محسوب می شود.

از موضوعات بسیار مضحک لایحه بودجه سال ۱۳۷۶، اختصاص بودجه برای لایحه فقر زدایی و چگونگی تأمین بودجه این طرح است. بر اساس گزارش ارائه شده به مجلس، دولت ۲۶۰۰ میلیارد ریال برای تأمین نیاز مالی لایحه فقر زدایی اختصاص داده است که قرار است به طرق زیر تأمین گردد: افزایش ۵ درصدی فرآورده های نفتی! (معادل ۴۰۰ میلیارد ریال)، صرفه جویی نیم درصدی در اعتبارات جاری و عمرانی کشور!! (معادل ۳۵۰ میلیارد ریال) گرفتن مطالبات دولت از شرکت های دولتی (معادل ۳۰۰ میلیارد ریال)، صرفه جویی در یارانه کالاهای اساسی!!! (معادل ۲۰۰ میلیارد ریال)، افزایش نرخ گاز مصرفی خانگی به میزان ۵ درصد!!! (معادل ۵۰ میلیارد ریال)، افزایش ۲۰ درصدی حق اشتراک تلفن سیار (معادل ۱۰۰ میلیارد ریال)، افزایش قیمت هر پالس تلفن به میزان ۵ درصد (معادل ۱۰۰ میلیارد ریال) و افزایش مالیات ثروت (۴۰۰ میلیارد ریال)، به عبارت دیگر منبع تأمین مالی لایحه فقر زدایی جیب و درآمد میلیون ها مردم کشور ما است که اکثر آنان در بدترین شرایط دشوار اقتصادی زندگی می کنند. افزون بر این روشن نیست که با این همه افزایش قیمت ها که بی شک تأثیر مستقیم بر تورم کشور خواهد داشت، دولت از چه طریقی قرار است رشد تورم را نه تنها کنترل کند، بلکه آنرا کاهش نیز بدهد. از شیوه های تردستانه دیگر «سردار سازندگی» رژیم و مشاوران اقتصادی او در بودجه تعیین خط فقر است. بر اساس گزارش مهندس فرشپاف، معاون سازمان برنامه و بودجه کشور، امسال دولت، گویا پس از تحقیقات «بسیار کارشناسانه» و بررسی «۲۵ ساله» وضعیت خانوارهای ایرانی سقف جدیدی را برای فقر تعیین کرده است که معادل حداقل حقوق کارمندان دولت یعنی ۱۸۵۰۰۰ ریال است که بر اساس ادعای مرکز آمار ایران این میزان با توجه به «هزینه مسکن، پوشاک، آموزش و میزان کالری ضروری» تعیین گردیده است (نگاه کنید به روزنامه رسالت ۲ دی ماه ۱۳۷۵).

ولابد میزان فقر زدایی دولت نیز با همین سقف اندازه گیری خواهد شد. تنها نکته ای که نه مرکز آمار، نه «سردار سازندگی» و نه معاون سازمان برنامه و بودجه کشور به آن پاسخ نداده اند، این است که با حداقل هزینه مسکن بین ۲۰۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰ ریال در تهران، گوشت کیلویی ۶۰۰۰ ریال، تخم مرغ کیلویی ۲۶۴۰ ریال (نرخ های رسمی) و سایر قیمت های سرسام آور ارزاق عمومی یک خانوار قرار است چند دقیقه یا حقوق ۱۸۵۰۰۰ ریالی خود حتی در خط فقر زندگی کند؟

بخش دیگری از ادعاهای هاشمی رفسنجانی این است که دولت نرخ برابری ارز را در حد هر دلار ۳۰۰۰ ریال نگاه خواهد داشت. این نخستین بار

نیست که دولت رفسنجانی ادعایی از این قبیل را مطرح می کند. توجه خوانندگان را به نقل قول کوتاهی از مقاله ای که ما در پاسخ به بودجه سال ۱۳۷۲ ارائه شده از سوی رفسنجانی نوشتیم و آن را به شعبده بازی با ارقام تشبیه کردیم جلب می کنیم: «ارقام منعکس شده در بودجه سال آینده به علت تفاوت محاسبات در نرخ برابری ارز، تقریباً معادل ۶۰ درصد رشد کاذب داشته اند... بحث پیرامون یکسان سازی نرخ برابری ارز... باید قاعدتاً با همکاری و وسیع بخش های عمده اقتصادی کشور، خصوصاً بخش تولیدی که در این تغییر و تحولات دچار دشواری های فراوان خواهد شد، انجام پذیرد... و نه به قصد سرهم بندی کردن ارقام بودجه و پنهان کردن عمق ورشکستگی اقتصادی کشور... در سخنانی که رفسنجانی به هنگام ارائه بودجه کشور ایراد کرد به مکانیسمی که دولت بایستی در نظر گیرد تا از صعود بازهم بیشتر قیمت ها، رشد سریع تورم و رشد بازهم بیشتر حجم نقدینگی جلوگیری شود و همچنین چگونگی کمک دولت به صنایع تولیدی کشور برای تأمین مواد خام مورد نیاز اشاره ای نشد و از این رو اگر عملکرد چهارسال گذشته ملاکی برای ارزیابی این سخنان باشد، باید به شدت پیرامون رشد نجومی تورم، افت جدی قدرت خرید مردم، ضربه دیدن بیشتر صنایع تولیدی کشور و افزایش تعداد بیکاران اظهار نگرانی کرد. یکسان سازی نرخ ارز اگرچه در دراز مدت امری اجتناب ناپذیر است، ولی پیاده کردن آن در شرایط کنونی اقتصاد کشور و بدون هیچ برنامه مشخص برای محدود کردن اثرات مخرب آن، بی شک اثرات فاجعه باری در اقتصاد کشور باقی خواهد گذاشت...» (نامه مردم شماره ۳۹۴، سه شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۷۱).

واقعیات چهارسال گذشته موبد این ارزیابی ما از عملکردهای دولت جمهوری اسلامی است. دولت رفسنجانی به هنگام اعلام یکسان سازی نرخ ارز (به هنگام ارائه بودجه سال ۱۳۷۲) مدعی بود که نرخ برابری ارز را «با قدرت» تمام در حد هر دلار ۱۵۰۰ ریال حفظ خواهد کرد. سقوط ارزش ریال تا حد هر دلار ۶۰۰۰ ریال که منجر به بسته شدن موقتی بازار ارز توسط دولت و بازگشت عملی بانک مرکزی به سیستم چند نرخیه گذشته گردید، میزان موفقیت واقعی رژیم را در این زمینه نشان می دهد.

کوتاه سخن! از مختصری که در بالا آمده است روشن می شود که برخلاف ادعاهای پرطمطراق رفسنجانی مبنی بر حرکت به سمت شکوفایی (حرکتی که در ده سال گذشته مرتباً به خراب تر شدن وضع اجتماعی - اقتصادی کشور منجر شده است)، ریشه کن کردن فقر و تحقق عدالت اجتماعی، بودجه سال ۱۳۷۶ نه تنها هیچگونه برنامه روشن و عملی را در این زمینه ارائه نمی دهد، بلکه این بودجه مانند بودجه های گذشته این دولت، بودجه ای است تورم زا و عمدتاً در جهت تأمین منافع سرمایه داری بزرگ کشور.

عملکرد دولت رفسنجانی که این آخرین بودجه آن به مجلس خواهد بود، نشان می دهد که ادعاهای «سردار سازندگی» رژیم چیزی جز عوام فریبی و حرف های بی پایه و اساس نیست. وضعیت اسفناک اقتصادی کشور، ده ها میلیارد دلار بدهی خارجی، افت چشمگیر تولید و در نتیجه بیکاری ۳-۴ میلیونی و رانده شدن میلیون ها خانوار ایرانی به زندگی در زیر خط فقر، کارنامه دولت رفسنجانی است که بیش از ادعاهای او در ذهن و اندیشه مردم ما باقی خواهد ماند.

هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در ۲۹ - مین کنگره حزب کمونیست فرانسه

اوماتیه) پس از سال‌ها حضور در رهبری حزب از مسؤلیت‌های خود استعفاء دادند.

از جمله مسایل دیگری که در کنگره مورد بحث قرار گرفت و بازتاب وسیعی در رسانه‌های گروهی فرانسه یافت، پیشنهاد رهبری حزب برای برداشتن داس و چک، به عنوان سمبل حزب بود. علی‌رغم مخالفت عده‌ای معدود، این پیشنهاد با ۱۰۸۰ رأی در مقابل ۴۳ رأی به تصویب رسید. رابرت هیو، در پاسخ به مخالفان که این عمل را دور شدن از سوسیالیسم و کمونیست می‌دانستند، گفت: حزب به هیچ وجه کمتر از سابق کمونیست نیست و ما تنها تلاش می‌کنیم از این طریق منعکس کننده تغییرات عظیمی باشیم که در عصر کامپیوتر در جهان رخ داده است.

کنگره با توجه به پیروزی‌های کمونیست‌ها، خصوصاً پیروزی اخیر آنان در انتخابات محلی فرانسه در گاردنی، نزدیک ماری که کاندیدای حزب، پیروزی چشمگیری در مقابل کاندیدای دولت، فاشیست‌ها و سوسیالیست‌ها بدست آورد و اوج گیری جنبش کارگری، که در سال گذشته در ابعاد چشمگیری در مبارزات کارگری علیه سیاست‌های دست راستی دولت انعکاس یافت، ابراز امیدواری کرد در انتخابات آینده فرانسه، در سال ۱۹۹۸، بتواند موثرتر از گذشته عمل کند. رابرت هیو دبیرکل حزب، ضمن ابراز مخالفت شدید با قرارداد ماستریخت برای اروپای مشترک، نیروهای مترقی را فراخواند تا متحداً با آن به مبارزه برخیزند. کنگره با خوشبینی زیاد به آینده و با امید پیروزی‌های جدید به کار خود پایان داد.

کرد. یکی از مسایل حاد مورد بحث در کنگره مساله «اتحادیه اروپا» بود. فیلیپ هرزوک، یکی از اعضای هیأت سیاسی حزب در دومین روز کنگره به دلیل اختلاف بر سر اروپا از کار خود استعفاء کرد و مورد انتقاد برخی از شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. یکی از شرکت کنندگان در کنگره در مورد او گفت: او حامی کرواسی، و مدافع قرارداد ماستریخت است، بگذارید به سوسیالیست‌ها پیوندد. بحث بر سر شرکت در دولت آتی سوسیالیست‌ها نیز از مسایل مهم مورد بحث در کنگره بود. رفیق رابرت هیو، دبیرکل حزب در جریان سخنرانی خود، ضمن اشاره به این موضوع از جمله متذکر شد: «کمونیست‌ها مایل به شرکت در دولت هستند تا بتوانند از این طریق به بهبود وضع بیمار جامعه فرانسه کمک کنند». وی در سخنرانی خود خواهان افزایش جدی حداقل حقوق، کاهش ساعات کار هفتگی از ۳۹ ساعت به ۳۵ ساعت و از این طریق ایجاد بیش از ۱/۵ میلیون فرصت جدید شغلی در کشور شد. بر اساس آمار غیر رسمی میزان بیکاران فرانسه از مرز شش میلیون نفر هم فرا تر رفته است. رفیق هیو در سخنان خود همچنین یادآور شد که مبارزه طبقاتی همچنان یک واقعیت عینی است ولی در عین حال ضروری است تا تعریف وسیع تری از طبقه کارگر ارائه شود، که منعکس کننده تغییراتی باشد که در شیوه تولید در جامعه رخ داده است.

پایگاه کارگری حزب در جریان کنگره به خوبی مشاهده می‌شد. بیش از ۶۰ درصد از شرکت کنندگان از فعالین جنبش کارگری در فرانسه بودند، و از چهره‌های جالب و فعال کنگره، رفیق تیابولت، از مسؤلان فدراسیون سراسری کارگران ث.ژ.ت، و از سازمان دهندگان اعتصاب‌های کارگری سال ۹۵ در فرانسه بود که به عضویت در کمیته ملی ۱۵۰ نفره حزب انتخاب شد. گروهی از چهره‌های سرشناس و قدیمی حزب، از جمله ژرژ مارش، دبیرکل سابق حزب، هنری کراسکی (رهبر سابق ث.ژ.ت)، لوییسیویانت (رهبر ث.ژ.ت) و رولند لیروی (سردبیر سابق

۲۹-مین کنگره حزب کمونیست فرانسه در روزهای ۱۸-۲۲ دسامبر با شرکت بیش از ۱۱۰۰ نماینده و دهها هیأت نمایندگی از احزاب کارگری و کمونیستی جهان، از جمله هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران کار خود را در پاریس آغاز کرد. سیاست آینده حزب، احتمال ائتلاف با حزب سوسیالیست و خط مشی حزب در مقابل اروپای متحد از موضوعات مهم مورد بحث در کنگره بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پیام خود به ۲۹ کنگره حزب کمونیست فرانسه، ضمن تبریک و آرزوی موفقیت برای کنگره، اشاره کرد که جهان و جنبش‌های مترقی و خصوصاً جنبش کارگری و کمونیستی دوران دشواری را از سر می‌گذرانند. در پی فروپاشی اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم در اروپای شرقی، جهان شاهد یورش وسیع سرمایه داری جهانی برای تحمیل «نظم نوین جهانی» امپریالیستی به خلق‌های جهان است که در اشکال گوناگون، از جمله تشدید یورش به نیروهای مترقی که در مقابل این روند ایستاده‌اند، تجلی می‌کند. از ماجراجویی نظامی و دخالت در امور کشورها، تا تحریم خشن و غیر انسانی مردم و دولت انقلابی کوبا، همگی بخشی از این توطئه واحد هستند. رشد حکومت‌های دست راستی در اروپا، رشد نیروهای راست افراطی در آمریکا، در کنار تجلی و رشد مجدد فاشیسم و تلاش‌های کشورهای امپریالیستی برای تقسیم جهان، تشدید فقر و محرومیت و فشار کمر شکن اقتصادی بر کشورهای در حال توسعه از جمله روند‌های بسیار نگران کننده‌ای است، که ما در گوشه و کنار جهان شاهد آن هستیم. این شرایط بیش از پیش نیازمند مبارزه مشترک همه نیروهای مترقی، از جمله کمونیست‌ها علیه «نظم نوین» امپریالیستی است.

در ادامه پیام کمیته مرکزی ضمن اشاره به سرکوب خشن و خونین آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک مردم ایران و کشتار هزاران زندانی سیاسی توسط رژیم ضد مردمی حاکم، سخن از گسترش مقاومت توده‌های وسیع زحمتکشان و مردم ایران علیه بی حقوقی و استبداد حاکم بر کشور می‌رود.

در جریان کنگره هیأت نمایندگی حزب با هیأت‌های گوناگون احزاب کارگری و کمونیستی، از جمله هیأت نمایندگی رهبری حزب کمونیست فرانسه دیدار و پیرامون مسایل مورد علاقه طرفین گفتگو و تبادل نظر

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است

کمک رسیده

به یاد رفیق منوچهر بهزادی ۲۰۰ دلار

آدرس‌ها: لظفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:497
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

13 January 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IFRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse